آیت ماندگار
ayate mandegar
Monthly
www.ayatemandegar.ir
ماهنامه نامه سیاسی، اجتماعی | شماره ۱۱۹ | مهرماه ۱۴۰۲ | سال نهم | هشت صفحه | رایگان | Political, Social | No.119 October 2023

پیامدهای اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» در اولین سالگردش چه بود؟

دوران پسا مهسا

۴

چرا اقدامات «جمیله علم‌الهدی» جنجال آفرین شد؟

مصائب بانوی اول نبودن

۲

برای دومین بار در تاریخ ایران اتفاق افتاد

نرگس محمدی برنده جایزه نوبل صلح شد

۶

جامعه‌ی بی‌چرا، جامعه‌ی بی‌چاره

آرین رسولی
دکتری فلسفه

۷

التهاب ناخن کار شدن

شورش عزیزی
روزنامه‌نگار

۶

قانونی شدن لایحه عفاف و حجاب چه تبعاتی در جامعه خواهد داشت؟

لجبازی با مردم!

۵

سرمقاله

آگاهی‌بخشی؛ رسالت «آیت ماندگار»

امیرحسین مصلی
سردبیر

۸

در این شماره می‌خوانید:

نگاهی به موج افغانستانی هراسی در کشور
نژادپرست شده‌ایم؟ ۳

نگاهی به جایگاه علی لاریجانی پس از رد صلاحیت در انتخابات
رویای هاشمی شدن! ۶

بررسی اخراج اساتید مستقل و جایگزینی نیروهای خودی
دانشگاه زنده می‌ماند؟ ۷

چه خبر؟

افشاگری جنجال برانگیز علیه مسیح علی نژاد

ایسنا نوشت: میترا جشنی، از چهره های اپوزیسیون در خارج از کشور در یک برنامه زنده گفت: علی‌نژاد به اسم مبارزه، تجارت راه انداخته است؛ او از طریق پروژه‌های مختلف بودجه‌های هنگفتی را از آمریکایی‌ها دریافت کرده است!

این چهره اپوزیسیون عنوان داشت: علی‌نژاد با پول پاشی‌های دولت آمریکا لشگری توئیتری راه انداخته تا اپوزیسیون مخالف خود را حذف کند.

وی ادامه داد: فیدل کاسترو این‌قدر در معرض ترور نبوده که پروژه ترورهای مختلف را برای علی‌نژاد سناریوسازی می‌کنند!

کنایه معنادار معاون روحانی به حاشیه سازی جمیله علم الهدی در ماجرای «بانوی اول»

به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین، اظهارات همسر رییس‌جمهور درباره «بانوی اول» همچنان با واکنش روبروست. در همین راستا، شهیندخت مولاوردی، معاون رییس‌جمهوری در دولت قبل در توئیتی نوشت؛

اورژانس غلغله است و دارم ویزیت میشم، گوشیم زنگ می‌خورد خبرنگار می‌پرسد می‌خواستم نظرتان را راجع به بانوی اول بپرسم می‌گویم در شرایط مصاحبه نیستم. چند دقیقه بعد زیر سِرُم شعر قیصر را زمزمه می‌کنم؛

...دردهای من نگفتنی
دردهای من نهفتنی است
انحنای روح من
شانه‌های خسته‌ی غرور من...

نمایندگان کم کار و غایب مجلس حق کاندیداتوری دوباره را دارند؟

فارس نوشت: موضوع حضور نداشتن بیش از ۹۰ نفر از نمایندگان در صحن علنی مجلس باعث شد که حجت‌الاسلام‌والمسلمین مجتبی ذوالنور رییس وقت اداره مجلس به این موضوع انتقاد کند، چرا که تعداد ۹۰ نفر از نمایندگان در صحن علنی مجلس غایب بودند و با احتساب نمایندگانی که همراه رییس مجلس برای شرکت در اجلاس بریکس بودند، تعداد غایبان در صحن بیش از ۹۰ نفر بود که بیش از یک سوم نمایندگان را شامل می شود.

نمایندگانی که در صحن علنی مجلس حاضر نیستند، به فرض انجام وظایف نمایندگی در مناطق مختلف، در واقع می‌توان گفت به رأی آوردن و رأی نیاوردن موضوعی که به صلاح کشور و مردم نیست، بی‌توجه هستند و باید دید اهمیت کدام وظیفه یا ابزار برای انجام کدام وظیفه بالاتر است؟ حضور در صحن علنی یا رسیدگی به امور خارج از صحن مجلس؟

اگرچه اسامی غایبین و متاخرین در ابتدای هر جلسه اعلام می شود، اما این راهکار نتوانست چاره ساز باشد و مشکل همچنان باقی است. پیشنهاد ذوالنوری برای تغییر رویه ثبت اسامی غایبین می‌تواند در کنار استفاده از برخی اهرم‌های قانونی و نظارتی و اصلاح آیین نامه داخلی مجلس بتواند کارساز و راه حلی برای حضور نمایندگان در جلسات علنی مجلس به طور منظم باشد، شاید با ذکر اسامی غایبین در وسط جلسه، تعداد غایبین به طور واضح و کامل قرائت شود تا به قول نایب رییس مجلس مردم، نمایندگان خوبی که وقت می‌گذارند و در صحن حضور دارند را از سایر نمایندگان تشخیص دهند.

حال باید پرسید که وقتی بیش از ۹۰ نفر از نمایندگان در هنگام بررسی برنامه‌ای برای پنج سال آینده کشور، در صحن حضور ندارند و در واقع نمایندگان غایب و کم کار مجلس محسوب می شوند، باز در انتخابات مجلس دوازدهم داوطلب می‌شوند؟

در مفاد ۸۶ تا ۸۹ آیین‌نامه داخلی مجلس به موضوع تاخیر و غیبت نمایندگان اشاره شده که بر اساس ماده ۸۶ آیین‌نامه داخلی مجلس نماینده‌ای که بیش از یکصد ساعت متوالی یا ۲۵۰ ساعت غیرمتوالی از اوقات رسمی جلسات مجلس و کمیسیون را بدون عذر موجه در یک سال غیبت نماید، مستعفی شناخته خواهد شد. همچنین نماینده‌ای که به علت ناتوانی جسمی و یا بیماری بیش از چهار ماه در یک سال غیبت موجه داشته باشد بنا به درخواست ۳۰ نفر از نمایندگان و تصویب دوسوم نمایندگان حاضر مبنی بر عجز وی از ایفای وظایف نمایندگی، سمت نمایندگی خود را از دست می‌دهد.

جنجال ماه

چرا اقدامات «جمیله علم‌الهدی» جنجال‌آفرین شد؟

مصائب بانوی اول نبودن

جمیله علم‌الهدی، همسر سیدابراهیم رییسی برای چندمین بار طی یکسال گذشته تبدیل به یکی از حواشی جنجال برانگیز دولت سیزدهم تبدیل شد. او هشتم مهرماه در جشنواره‌ای به نام خورشید مدعی شد که تازه متوجه شده است که او را به عنوان بانوی اول معرفی کرده‌اند. ادعای که به واقع صحت ندارد چرا که برای نخستین بار بهمن ماه سال گذشته و در جشنواره عجیب «زنان تاثیرگذار» که به ابتکار جمیله علم‌الهدی در تهران برگزار شد، این عنوان برای همسر رییس‌جمهور در نظر گرفته شد و حواشی بسیاری را به دنبال داشت. حسین امیر عبدا... یان در خصوص اطلاق این عنوان به جمیله علم‌الهدی گفته بود: «طبق عرف در این اجلاس‌ها از همسر رییس‌جمهور به عنوان بانوی اول نامبرده می‌شود درحالی که ایشان یادآوری می‌کردند که در کشور ما بانوی اول کسی است که در کنار مقام معظم رهبری در شرایط سخت تبعید و شکنجه و زندان بودند و الگوی ماست.»

عبارتی که همسر ابراهیم رییسی در جشنواره خورشید هم از آن استفاده کرد و گفت در کشور ما بانوی اول، همسر رهبری است نه بنده. البته انتساب عنوان بانوی اول در سفر جمیله علم‌الهدی به ونزوئلا هم درباره او از سوی رسانه‌های این کشور مورد استفاده قرار گرفته بود. بنابراین تا اینجای کار این گذاره که دختر امام جمعه مشهد تازه متوجه این مطلب شده که او را به عنوان «بانوی اول» معرفی می‌کنند نمی‌تواند صحت داشته باشد.

اما این بار رسانه‌ها و کاربران موسوم به ارزشی به شدت همسر ابراهیم رییسی را مورد انتقاد قرار دادند. تا جایی که مهدی فضائلی عضو دفتر نشر آثار رهبر انقلاب در توئیتی نوشت: کم نبوده‌اند بانوان بزرگ و عالی‌قدری که در کنار مردان بزرگ نقش آفرینی کرده اند اما خطاست که دولتمردان برای تکریم آن‌ها از الگوی نابجای بیگانگان کپی برداری کنند. جلیل محبی و رائفی‌پور هم به عنوان انقلابیون حامی دولت از جمله دیگر افرادی بودند به انحاء مختلف جمیله علم‌الهدی را مورد سرزنش قرار دادند.

اما خبرگزاری تسنیم، به عنوان رسانه نزدیک به جریان حاکمیت و البته یکی از رسانه‌های مهم حامی دولت ابراهیم رییسی در رابطه با همین مطلب و با انتقاد از همسر ابراهیم رییسی نوشت: خانم علم‌الهدی به جهت صاحب‌نظر بودن در برخی موارد، همچون دیگر افراد جامعه می‌تواند دیدگاه‌های خود را مطرح کند اما اینکه تصوّر شود با ریاست‌جمهوری یک فرد در ایران، برای همسر ایشان، جایگاه بخصوصی به لحاظ ساختار قانون اساسی کشور ایجاد می‌شود، قطعاً خطاست. البته خانم علم‌الهدی در مراسم عنوان می‌کند که برخلاف معرفی ایشان به عنوان بانوی اول در جشنواره، این عنوان متعلق به وی نیست؛ اما مسئله اینجاست که اساساً چنین جایگاه و عنوانی در کشور وجود ندارد که متعلق به همسر رییس‌جمهور باشد یا ایشان بتواند آن را از آنِ شخصیت دیگری بداند.

اشاره این خبرگزاری به این موضوع که خانم علم‌الهدی به نوعی خودش را شایسته این لقب ندانسته بلکه این عنوان را برازنده همسر آیتا... خامنه‌ای دانسته‌اند، چرا که کاربران موسوم به جریان انقلابی هم متوجه این زیرکی همسر ابراهیم رییسی شده بودند و یکی از همین افراد خطاب به جمیله علم‌الهدی نوشت: «سرکار خانم علم‌الهدی، مساله اصلا مضحک بودن واژه بانوی اول نیست، بلکه سطح فکر و عمق نگاه گوینده این عبارت است. یا شما اساسا با گفتمان انقلاب اسلامی بیگانه‌اید؛ یا پشت این عبارت افکار و ماجراها قرار دارد. خیلی بزرگتر از شما که در مقام مقایسه حضرتعالی انگشت کوچک آن‌ها هم به حساب نمی‌آیید هیچ وقت چنین مبحثی را طرح نکرده‌اند و قطعا اگر نام همسر رهبر انقلاب را آورده‌اید از زیرکی شما بوده که مثلا هزینه را کاهش دهید.»

تسنیم البته به رپرتاژ مبسوط روزنامه همشهری، وابسته به شهرداری تهران و علیرضا زاکانی هم اشاره کرد و نوشت: «طی هفته‌های گذشته برخی رسانه‌ها با اقداماتی که ظاهرش رنگ و بوی حمایت از خانم علم‌الهدی داشت، عملاً به نحوی به مسئله‌ی فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی ایشان ورود کردند که بیش از آنکه جاذبه‌ی جدّی برای

مخاطب داشته باشد، تولید شائبه و دافعه می‌کرد.»

با این اوصاف و با توجه به نحوه پوشش رسانه‌های همسو با دولت به نظر نمی‌رسد این موضوع به همین جا ختم شود، چرا که پیش از این مطرح می‌شد که دولت رییسی حساسیت بسیار بالایی نسبت به انتقادات از همسر رییس‌جمهور دارد و پیش از این هم در تذکر به رسانه‌ها این حساسیت را ثابت کرده است.

مردم ایران تا قبل از انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۶ با خانواده «علم‌الهدی» ناآشنا نبودند اما در جریان نامزدی ابراهیم رییسی در انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم و سپس تکیه ابراهیم رییسی بر صندلی بزرگ میدان پاستور در انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم، همزمان نام جمیله علم‌الهدی هم در بین مردم و رسانه‌ها همه‌گیر شد. این زمان بود که نام بزرگترین صبیه سیداحمد علم‌الهدی نماینده ولی‌فقیه در خراسان رضوی و امام جمعه خبرساز مشهد به واسطه ارتباط خانوادگی‌اش بر سر زبان‌ها افتاد. اما نقش آفرینی او به عنوان فعال سیاسی، بعد از در اختیار گرفتن سکان ریاست جمهوری توسط همسرش اتفاق افتاد.

جمیله علم‌الهدی که در دومین سفر همسرش به آمریکا او را همراهی می‌کرد در گفت‌وگو با نشریه نیوزویک مدعی شد «آدم سیاسی نبوده و تا قبل از انتخاب رییس‌جمهور فعالیت سیاسی نداشته اما با توجه به شرایط جدید در حال انجام فعالیت‌های جدید در حوزه‌های سیاسی است.» ادعایی که به گواه بسیاری از اصولگرایان حامی دولت، از یک فعالیت صرفاً سیاسی هم فراتر رفته و همسر ابراهیم رییسی در بسیاری از امور اجرایی کشور اعم از عزل و نصب‌ها در دولت نقش پررنگی را ایفا می‌کند، بطوریکه محمد مهاجری مردادماه گذشته خطاب به ابراهیم رییسی نوشت: «با اطلاع می‌گویم اعضای دولت تان از اینکه برای گزارش کار خدمت همسرتان برسند و امر و نهی بشوند احساس حقارت می‌کنند.»

جمیله علم‌الهدی اردیبهشت ماه سال ۹۶ ادعا کرده بود که مخالف کاندیداتوری همسرش است اما حالا به نظر می‌رسد مجموعه اقدامات او در این دو سال و البته حد فاصل بین ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ نشان داد او برای رسیدن به جایگاهی که هم اکنون دارد، رویاهای فراوانی داشته است.

جمیله علم‌الهدی در این مدت سعی کرد پا در عرصه‌ای بگذارد که دیگر همسران روسای جمهور به آن به صورت رسمی ورود نکردند. او می‌خواهد از پوسته‌ی همسر و دختر بودن دربیاید و نقشی مانند بانوی اول در سایر کشورها برای خود بسازد تا اولین همسر رییس‌جمهوری باشد که در سپهر سیاسی و بین‌المللی ایران نقش بازی کند.

با این اوصاف باید منتظر ماند و دید که با توجه به موج انتقادی که نیروهای انقلابی و ارزشی و البته حامی ابراهیم رییسی علیه جمیله علم‌الهدی به راه انداخته‌اند، او تا چه اندازه می‌تواند «بانوی اول» باقی بماند.

نگرانی ماه

نگاهی به موج افغانستانی هراسی در کشور

نژادپرست شده‌ایم؟

«هجوم کنونی افاغنه به ایران که امری غیرعادی است را نباید در چارچوب‌های معمول پذیرش پناهندگان تفسیر کرد. ما اکنون با تهاجم عناصری مجرد، تعلیم‌دیده و منفی‌نگر به کشورمان مواجه هستیم که از زمین و دریا وارد ایران می‌شوند و به تمام نقاط ایران سفر می‌کنند و هر کاری که مایل باشند انجام می‌دهند.» این متن سرمقاله هشتم مهر روزنامه جمهوری اسلامی است. روزنامه‌ای که هم‌راستا با برخی رسانه‌های دیگر طی هفته‌های اخیر با انتشار گزارش و یادداشت های گوناگون بر شیپور «افغانستانی هراسی» دمیده و سعی دارند چهره‌ای خطرناک از مهاجران افغانستانی را به مردم نشان دهند. عمده دلایل این رسانه‌ها، به غیر از مسائل امنیتی که برمی‌شمرد این است که با توجه به شرایط بد اقتصادی کشور چرا باید هشت میلیون مهاجر افغان (آمار رسمی جدیدی در دسترس نیست) در کشورمان سالانه بیش از ۱۰۰۰ میلیارد تومان آب مصرف کنند در حالی‌که طالبان حاضر نیست حقابه هیرمند را به ما بدهند. یا اینکه چرا باید سالانه ۳۰ هزار میلیارد تومان برای اتباع افغان هزینه نان و گاز و برق و... بدهیم. دلایلی که بررسی هر کدام از آن‌ها ساعت‌ها وقت می‌طلبد.

اما آنچه که به نظر می‌رسد، نویسندگان این مطالب چشم خود را بر روی آن بسته‌اند که دلیل مهاجرات اکثر این مهاجران افغان طی یکسال اخیر است که دست بر قضاء مهاجران هزاره و شیعه و فارس زبان در راس آن‌ها قرار داشتند. پس از روی کارآمدن طالبان و محدودیت‌هایی که در این کشور برای زنان و دختران و مردان افغانستان وضع شد، مردم این کشور چاره‌ای به غیر از مهاجرات نیافتند چراکه هیچ فردی در جهان نیست که بی‌دلیل موطن خودش را ترک کند. به عنوان مثال در همین کشور خودمان به طور میانیگن سالانه حداقل ۶۵ هزار نفر از کشور مهاجرت می‌کنند که هر کدام از این افراد دلایل خاص خودشان را دارند که مشخصاً طی سال‌های اخیر و پس از اعتراضات سال گذشته به شدت بر تعداد این افراد افزوده شده است.

با این تفاسیر آیا با استدلال روزنامه جمهوری اسلامی، کشورهای مقصد این مهاجران ایرانی هم باید از مقدار آب مصرفی این افراد آمار و ارقام منتشر کنند؟ مردم ایران سالهاست که میزبان مهاجران افغان در دوره‌های مختلف بوده‌اند و در این سال‌ها هر چند برخی از مهاجران مشکلاتی را به صورت فردی ایجاد کرده‌اند (کما اینکه در سایر کشورها هم رخ می‌دهد) اما در کلیت ماجرا این مهاجران منشاء خدمات بسیاری در کشور ما بوده‌اند که به طور مثال می‌توان از حضور آن‌ها در مشاغلی نام برد که کمتر کسی در کشور ما حاضر به انجام این کارها می‌شود.

اما ماجرای موج افغانستانی هراسی در کشور از کجا آغاز شد؟ هر چند طی دهه‌های اخیر بودند افرادی که به بهانه‌های مختلف خواستار خروج افغانستانی‌ها از کشور شدند اما به صورت جدی، نقش چند افغانستانی در ماجرای دو حمله تروریستی به حرم شاهچراغ در شیراز سبب شد تا رسانه‌های نزدیک به نهادهای امنیتی خواستار رسیدگی جدی به ماجرای نقش داشتن این افراد در این حملات شدند. به طور مثال خبرگزاری فارس در یادداشتی که ۲۴ مردادماه گذشته به نقل از خبرگزاری دولت منتشر کرد در رابطه با این حملات تروریستی نوشت: «چرا باید چند تبعه غیرمجاز در ایران به راحتی به چنین جنایتی مبادرت ورزند؟ چرا باید یک تبعه خارجی غیرمجاز از چنان آزادی برخوردار باشد که با در دست گرفتن اسلحه، امنیت ملی را با چالش روبرو سازد؟ آیا در کشورهای دیگر یک تبعه غیرمجاز از چنین قدرت مانوری برخوردار است که با در دست گرفتن اسلحه در یک مکان مذهبی چندین بیگناه را به خاک و خون بکشاند.» یا روزنامه اصولگرای فرهیختگان با انتشار گزارشی به بهانه حمله دوم تروریستی در شیراز (مرداد ۱۴۰۲) عنوان می‌کند که طی ۱۳ ماه گذشته در حملات تروریستی در مشهد و شیراز در مجموع ۱۷ نفر به شهادت رسیده‌اند که در بین این افراد تروریست، نقش اتباع افغانستانی قابل توجه است.

یک کانال تلگرامی به نام «سربازان گمنام» هم در همین راستا با انتشار مطلبی درباره این حوادث تروریستی بدون صحت سنجی رسمی می‌نویسد: موساد در بین ورود گله‌ای افغانستانی‌ها، تروریست جاسازی می‌کند.

اما با این تفاسیر نکته‌ای که به نظر می‌رسد نویسندگان این گزارش‌ها علاقه‌ای به پرداختن به آن ندارند، نقش نیروهای امنیتی کشور در این دست حوادث است که باید عمیقاً مورد بررسی قرار بگیرد که اساساً چرا باید نهادهای امنیتی از تحرکات این افراد در کشور غافل باشند.

از سوی دیگر خردادماه سال ۱۳۹۹ بود که روزنامه شرق آماری از نوع نگاه مردم تهران به اتباع پناهنده افغان منتشر کرد که توجه بسیاری از کاربران و رسانه‌ها را به خودش جلب کرد. در این نظرسنجی افرادی که از تسهیلات مناسب اقتصادی، اجتماعی و آموزشی برخوردار نبودند مخالف اصلی حضور پناهندگان افغان در تهران بوده و خواستار جدایی اجتماعی و حتی آموزشی آن‌ها از جامعه شده بودند. نوعی آپارتاید خطرناک که به طور نمونه در آفریقای جنوبی نمونه آن در تاریخ ثبت شده است.

همچنین نیمی از این جامعه آماری، افغان‌ها را عامل بیکاری و بیماری و افزایش جرم قلمداد کرده بودند. این افراد حتی پا را فراتر نهاده و چند ماه پس از رسانه‌ای شدند شیوع کرونا در کشور، افغان‌ها را عامل کرونا در ایران اعلام کرده بودند و یا علت بیکاری، تعطیل شدن کارخانه‌ها، و غیره را هم به گردن افغان‌ها انداخته و آن‌ها را مقصر این رخدادها معرفی کرده بودند.

نکته قابل توجه اینکه این آمار مربوط به سه سال پیش است و موجی که اخیراً در رسانه‌های دو جناح به راه افتاده بسیار تندتر از آن چیزی است که در نظرسنجی سال ۹۹ منتشر شده است.

ژیلا بنی‌یعقوب، نویسنده و فعال حقوق مهاجران افغان در کشور با اشاره به موج افغان‌ستیزی که در کشور راه افتاده است می‌نویسد: «برخی رسانه‌ها و کاربران نزدیک به دولت با توجه به ناکارآمدی دولت و مجلس در اصلاح امور و وضعیت تورم در کشور سعی دارند با انتشار آمارهای دروغ، افغان‌های از دست تروریست‌های طالبان گریخته را عامل گرانی و تورم افزایش قیمت مسکن معرفی کنند. اینکه نیروهای امنیتی نمی‌توانند مانع حملات تروریستی شوند هیچ ربطی به اکثریت جامعه مهاجر افغان ندارد.» نویسنده کتاب فرمانده مسعود در ادامه اضافه می‌کند: «این‌روزها خشم مردم به جای ناکارآمدی یک دولت متوجه مهاجران شده که جای تامل دارد.»

اما در این بین نکته قابل توجه درباره به راه انداختن موج نفرت پراکنی درباره مهاجران افغانستانی در کشور توسط برخی افراد و استدلال آن‌ها در رابطه با اخراج این افراد از کشور دقیقاً همان استدلالی که جریان‌های دست راستی و نژادپرست در اروپا به آن اشاره می‌کنند تا دولت ها را وادار به اخراج مهاجران به کشورشان کنند.

بزرگ‌نمایی در ورود مهاجران افغانستان یا هزینه‌ای که دولت برای آن‌ها می‌پردازد یک هدف مشخص دارد: نفرت‌پراکنی علیه افغانستانی‌ها که حالا نسل سوم و چهارم آن‌ها بدون اسناد هویتی در ایران همچنان «اتباع بیگانه» به شمار می‌روند و از حقوق اجتماعی محروم‌اند.

چه خبر؟

توصیه‌های انتخاباتی وزیر کشور به هیات‌های اجرایی

ایلنا نوشت: احمد وحیدی در نشست بررسی مسایل استان چهارمحال و بختیاری مطالبی را مطرح کرد و گفت: تفکیک زباله از مبدا یک تکلیف قانونی است و همه تعهدات حوزه پسماند باید با جدیت پیگیری شود.

وزیر کشور با بیان اینکه تمامی مراکز دفن زباله و پسماندها باید ارزیابی شوند تا آسیبی به محیط زیست وارد نسازند، به سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور ماموریت داد این مساله را در کل کشور مورد ارزیابی قرار دهند.

احمد وحیدی در بخش دیگری از این نشست به هدف مهم کاهش آسیب اجتماعی اشاره کرد و گفت: این هدف همواره مورد تاکید رهبر معظم انقلاب بوده است و ما باید برای تحقق آن به طور جدی برنامه‌ریزی، هدف‌گذاری و مجری مشخص داشته باشیم.

وی تاکید کرد: استانداران سراسر کشور باید تلاش مضاعفی برای کاهش آسیب‌های اجتماعی به کار گیرند. باید با استفاده از گروه‌های مردمی دلسوز، داوطلب و کارآمد تحول جدی در کاهش آسیب‌های اجتماعی رخ دهد.

وزیر کشور همچنین به مساله انتخابات اشاره کرد و یادآور شد: هیات‌های اجرایی انتخابات با توجه به قانون جدید انتخابات و وظایف مهمی که برعهده آن گذاشته شده است، شکل گیرد. افرادی برای هیات اجرایی به کارگیری شوند که توانمند و قابل اعتماد برای مردم باشند.

انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری در ۱۱ اسفندماه امسال برگزار می‌شود. ثبت نام نهایی انتخابات مجلس شورای اسلامی از ۲۷ مهرماه به مدت یک هفته انجام خواهد شد.

پس لرزه‌های سیاسی لغو بازی تیم‌های سپاهان و الاتحاد

نایب رییس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی با تاکید بر پیگیری‌های حقوقی لازم برای احقاق حقوق سپاهان در مقابل الاتحاد، گفت:ما هنوز دلیل رفتار تیم عربستانی را نمی‌دانیم.

عباس مقتدایی در جمع خبرنگاران به لغو دیدار تیم‌های سپاهان و الاتحاد به دلیل حاضر نشدن تیم عربستانی در زمین مسابقه واکنش نشان داده و اظهار داشت: آنچه که مشهود است سپاهان هم بر اساس اخلاق حرفه‌ای و هم بر اساس قوانین و پروتکل‌های موجود با مطابق برنامه از پیش تعیین شده AFC در زمین بازی حاضر شده و به وظیفه‌اش عمل کرده است. جمهوری اسلامی ایران نیز همه اقدامات لازم از جمله رعایت پروتکل‌های برگزاری بازی، مقررات حقوقی و اصولی حرفه‌ای را انجام داده است.

وی افزود: ما هنوز دلیل رفتار تیم عربستانی را نمی‌دانیم، اما وقتی یک تیم به هر دلیلی صحنه مسابقه را ترک کند، باید آن تیم پاسخگو هم باشد و در این مورد مقررات بین‌المللی وجود دارد.

نماینده مردم اصفهان در مجلس شورای اسلامی خاطرنشان کرد: در حالی که ده‌ها هزار تماشاگر و هواداران سپاهان در ورزشگاه حضور داشتند و طرفداران الاتحاد نیز در ورزشگاه حاضر و همه شرایط برای برگزاری مسابقه فراهم بود، جمهوری اسلامی در بحث میزبانی به همه وظایفش عمل کرده و میزبانی خوبی هم داشت تا جایی که خود عربستانی‌ها بابت میزبانی ما تشکر کرده بودند.

وی اضافه کرد: الان شرایط به گونه‌ای است که یک طرف مسابقه برخلاف موازین و اخلاق حرفه‌ای، زمین مسابقه را ترک کرده و ما طلبکار هستیم، چون طرف مقابل رعایت شئونات و پروتکل‌های بین‌المللی در امتداد ورزش را انجام نداده است.

خبر ماه

سند تاریخی برای رد یک ادعای جنجالی درباره امام خمینی (ره)

یک فعال رسانه‌ای در شبکه اجتماعی ایکس بخشی از سخنان امام خمینی را درباره ارتباط با عراق منتشر کرد.
به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین، روزبه علمداری، سردبیر سایت جماران، با انتشار یک سند تاریخی در شبکه اجتماعی ایکس(توئیتر) نوشت:
یک برگ از تاریخ در پاسخ به کسانی که سخنان تحریک آمیز امام را زمینه ساز جنگ می‌دانند: امام خمینی ۶ مرداد ۱۳۵۸: کوشش شد مسئولین عراقی به حسن نیت و تفاهم رهبران انقلاب و دولت واقف گردند. سیاستمداران خارجی نباید به اظهارات غیرمسولانه برخی توجه کنند. منبع: روزنامه اطلاعات.

دولت و قوه قضاییه از طرح شفافیت مستثنی شدند

فارس نوشت: عضو کمیسیون شوراهای مجلس گفت: مجمع تشخیص مصلحت نظام در نامه اخیر خود به مجلس علاوه بر مجمع و هیات عالی نظارت، قوای مجریه و قضاییه را نیز از مصوبه مربوط به طرح شفافیت مستثنی کرد.
ابوالفضل ابوترابی، عضو کمیسیون شوراهای مجلس شورای اسلامی، گفت: مجمع تشخیص مصلحت نظام در نامه اخیر خود به مجلس قوای مجریه و قضاییه را از مصوبه مربوط به طرح شفافیت مستثنی کرد.
وی افزود: مجمع تشخیص مصلحت نظام پیش از این در بررسی مصوبه مربوط به شفافیت، خود و هیات عالی نظارت مجمع را از شفافیت مستثنی کرده بود و در نامه اخیرش قوه قضاییه و مجریه را هم از این مصوبه مستثنی کرده است.
عضو کمیسیون شوراهای مجلس اظهار کرد: با این وضعیت تنها قوه مقننه برای شفاف شدن باقی می‌ماند که آن هم از قبل شفاف بود و جلسات مجلس به صورت علنی و مستقیم پخش می‌شود و مردم در جریان آن قرار می‌گیرند و ۲۲۰ نماینده نیز تاکنون داوطلبانه اعلام آمادگی کرده‌اند که رأی‌شان شفاف باشد و همین مسئله نیز انجام می‌شود.

کنایه معنادار علی مطهری به دولت رییسی با هشتگ احیای برجام

به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین، علی مطهری، نماینده پیشین مجلس در شبکه اجتماعی ایکس(توئیتر) با هشتگ احیای برجام نوشت: «مواضع رییس‌جمهور و وزیر خارجه در نیویورک درباره مذاکرات احیای برجام و رفع تحریم‌ها نشان داد که عقل‌گرایی در دولت افزایش یافته و شعارزدگی کاهش یافته و پیام سختی معیشت مردم به دولتمردان رسیده است.»

با ۱۳۱ رای موافق، کلیات لایحه برنامه هفتم توسعه کل کشور تصویب شد

خانه ملت نوشت: نمایندگان مردم در مجلس کلیات لایحه برنامه هفتم توسعه کل کشور را تصویب کردند.
نمایندگان در جلسه علنی «دوشنبه ۳ مهرماه» مجلس شورای اسلامی پس از استماع نظرات موافقان و مخالفان، با کلیات گزارش کمیسیون تلفیق در مورد لایحه برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران با ۱۳۱ رأی موافق، ۸۱ رأی مخالف و ۵ رأی ممتنع از مجموع ۲۲۸ نماینده حاضر در صحن موافقت کردند.

انفجار در خرم آباد صحت دارد؟

ایرنا نوشت: معاون سیاسی - امنیتی لرستان وقوع هرگونه انفجار در خرم‌آباد را رد کرد.
احسان یاوری، معاون سیاسی - امنیتی لرستان گفت: بر اساس گزارش های دریافتی از نهادهای ذیصلاح امنیتی، انتظامی و نظامی وقوع هرگونه انفجار در خرم‌آباد صحت ندارد.
وی گفت: مردم به شایعه توجه نکنند و هرگونه اخبار را از مراجع معتبر کسب کنند.
پیش از این مدیر کل مدیریت بحران استان لرستان اعلام کرده بود موضوع شنیده شدن صدای انفجار در خرم آباد در حال بررسی است و جای هیچ‌گونه نگرانی نیست.

گزارش ماه

پیامدهای اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» در اولین سالگردش چه بود؟

دوران پسا مهسا

در یک سالگی جان باختن «مهسا امینی» در بازداشت گشت ارشاد فضای کشور دچار نوعی التهاب است. از یک طرف به گزارش اخباری که در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های رسمی منتشر می‌شود، برخوردهای امنیتی مانند احضار و بازداشت برخی از چهره‌های منتقد و معترض کماکان ادامه دارد و از سوی دیگر برخی تحلیلگران نزدیک به جبهه تندروی کشور به جای آرام کردن این فضای ملتهبِ جامعه، بر آتش خشم مردم می‌دمند و سعی می‌کنند مردم تحت فشارِ مشکلات اقتصادی را خشمگین‌تر کنند.
به طور نمونه اسدا... بادامچیان، دبیرکل ۸۲ ساله حزب موتلفه اسلامی اوایل شهریورماه برخی ادعاهای ثابت نشده علیه مهسا امینی را مطرح کرد که با واکنش برخی رسانه‌ها و کاربران در شبکه‌های اجتماعی مواجه شد. او معتقد بود که نظام با مهسا امینی مدارا کرده، چرا که این دختر با لباس مبتذل به تهران آمده بود و طرفدار حزب کومله بود. این ادعاها در حالی مطرح می‌شود که برخی کارشناسان حوزه اجتماعی در پاسخ به بادامچیان گفتند و نوشتند که حداقل، لباس مرحوم امینی از بسیاری از دخترانی که در راهپیمایی‌های حکومتی که رسانه‌های انقلابی با افتخار آن را به عنوان دستاورد نظام تعریف می‌کنند پوشیده‌تر بود.
منوچهر متکی دیگر فعال سیاسی اصولگراست که ۱۸ شهریور در گفت‌وگو با خبرآنلاین اساساً مسئله اعتراضات سال گذشته را به گونه دیگری مطرح کرد. او می‌گوید: در ناآرامی‌های سال گذشته همه دیدند که نخبگان، جوانان، سلبریتی‌ها به صحنه آمدند، اما مردم وارد صحنه اعتراضات نشدند.
ادعایی که دستکم بسیاری از جامعه‌شناسان نزدیک به هر دو جناح آن را رد می‌کنند. زنده‌یاد عماد افروغ جامعه‌شناس اصولگرا جزو نخستین افرادی بود که پس از مرگ مهسا امینی در گفت‌وگوهای متعدد نظری مخالف آنچه متکی، ادعا کرده را بیان کرده بود. افروغ گفته بود: جامعه ما به دلیل انواع مشکلات از تورم و بیکاری تا عدم توزیع عادلانه و برابر مواهب سیاسی اقتصادی و فرهنگی، آبستن انواع ناآرامی است. بنابراین فوت خانم مهسا امینی تنها یک جرقه بود برای این که خشم‌های فروخفته یک بار دیگر خود را نشان دهد. ما در سال‌های گذشته نظیر ۹۶ و ۹۸ موارد زیادی داشته‌ایم که این خشم‌های فروخفته خود را نشان دادند. من سال‌هاست این موارد را گفته‌ام، اما متاسفانه هیچ اتفاقی نمی‌افتد.
افروغ این را هم اضافه کرده بود که: شاید خواسته آشکار معترضان در حوادث پاییز ۱۴۰۱، مساله حجاب و انعطاف بیشتر نظام در این موضوع باشد، اما مطالبه مردم صرفاً این نیست. در جامعه ما فقر و نابرابری، بیکاری و انواع تبعیض غوغا می‌کند. جامعه انباشته از برخی مشکلات است و دنبال بهانه می‌گردد، حتی به نظر من تشییع پرشمار مرحوم پاشایی هم سیاسی بود، نه فرهنگی. افراد احساس کردند اعتراض سیاسی آشکار ممکن است عواقب داشته باشد. ای کاش نظام به موقع درباره این حادثه واکنش نشان می‌داد و عذرخواهی می‌کرد. من به محض فوت خانم امینی مصاحبه‌ای کردم و گفتم نظام عذرخواهی کند، اما کسی عذرخواهی نکرد.
نظری کاملاً متفاوت با آنچه که بسیاری از تندروهای وابسته به هسته سخت قدرت با آن مخالفند و می‌گویند: کسانی که کف خیابان «اعتراض» می‌کنند جزو مردم نیستند. روزنامه کیهان از جمله رسانه‌هایی بود که بارها افرادی که کف خیابان بودند را پادوی اسرائیل و آمریکا معرفی کرد و خواستار برخورد شدید دستگاه قضایی با آن‌ها شد. مصطفی میرسلیم هم در جایگاه وکیل مردم در خانه ملت در یک اظهارنظر تند مدعی شد که فاصله دستگیری تا اعدام افراد بازداشت شده در جریان ناآرامی‌های پس از درگذشت مهسا امینی زیاد است و عوامل ناآرامی‌ها باید ظرف ۵ یا ۱۰ روز بعد از دستگیری اعدام شوند.
نعمتا... فاضلی نویسنده، انسان‌شناس و عضو پیشین هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی از جمله تحلیلگرانی بود که در ارتباط با اعتراضات سال گذشته، انباشت خشم و مشکلات اقتصادی، اجتماعی مردم را یکی از اصلی‌ترین دلایل گستردگی اعتراضات برشمرد و گفت: تصویر آینده، حداقل در ذهن جمعیت معترض، تصویری تار، ناامیدکننده و ویرانگر است. فقر، بیکاری، بحران‌های محیط زیستی، صداهای ناشنیده، نابرابری‌ها، تبعیض‌ها، فسادها، نارضایتی‌های سیاسی، بی‌اعتمادی، فرسایش سرمایه اجتماعی، سرکوب‌ها و ناملایمات، ذهن جامعه و معترضان را تسخیر کرده‌اند. این تصاویر رنج‌دهنده خشم می‌آفرینند؛ به ویژه هنگام خالی بودن جای «تصویر آینده»، آینده‌ای سازنده و نویدبخش. نظم و سامان جمعی پایدار و سازنده بدون داشتن «تصویر سازنده» از آینده دور و نزدیک ممکن نیست.
وی همچنین این نکته اساسی را هم به اظهاراتش افزود که: از سال‌های ۱۳۹۰ نومیدی جمعی در چهره جامعه آشکار شد اما پیش از آن از اواخر دهه هفتاد نارضایتی‌ها و هراس‌های عمومی از آینده زندگی و جامعه در بین بسیاری از مردم شکل گرفته بود. اعتراضات و جنبش‌های ۷۸، ۸۸، ۹۶ و ۹۸ جلوه‌های بحران تصویر آینده‌اند. اعتراضات اخیر امتداد همین بحران آینده است. گسترش موج مهاجرت‌ها بیان کننده همین بحران است. خیابان‌ها امروز خاموش نیستند چون تصویر آینده در ذهن، ضمیر و زبان بسیاری از مردم، تیره و تار است. حکومت و نخبگان در قدرت نتوانستند خلاقانه و متناسب با تحولات تکنولوژیک و رسانه‌ای شدن، جهانی شدن، تجاری شدن، فرآیندهای شهری و کلان شهری شدن و تحول جامعه، «تصویر آینده واقع نگر، باورپذیر و سازنده» برای همه مردم خلق کنند.
با این وجود آنچه که به نظر می‌رسد تحلیلگران نزدیک به حاکمیت دوست ندارند متوجه‌اش شوند، این است که تنها مسئله معترضانِ کف خیابان طی یکسال گذشته نه تنها مرگ یک دختر در بازداشتگاهِ گشت ارشاد، بلکه انباشت عقده‌های اجتماعی، فرهنگی‌سیاسی درگلومانده چند نسل قبل نسبت به «عملکرد سیستم» است که طی چند سال اخیر به عناوین مختلف بروز و ظهور یافته است. موضوع مهمی که علی‌رغم هشدار بسیاری از جامعه‌شناسان و رسانه‌ها، مجلس و دولت انقلابی و به طور کلی «حاکمیت یکدست» نه تنها ارزشی برای آن‌ها قائل نیست، بلکه با تصویب قوانینی مانند عفاف و حجابِ به دنبال بسته‌تر نگه داشتن مدنیت جامعه هستند چرا که اساساً آن‌ها بر این باورند که معترضان از مردم نیستند و بر مردمند.

تحلیل ماه

قانونی شدن لایحه عفاف و حجاب چه تبعاتی در جامعه خواهد داشت؟

لجبازی با مردم!

«لایحه عفاف و حجاب» طرحی که شش ماه قبل در ۹ ماده به دولت ابراهیم رییسی سپرده شد و دولت با اضافه کردن ۶ ماده به آن، یک لایحه ۱۵ ماده‌ای را تحویل مجلس داد و کمیسیون ۱۰ نفره قضایی مجلس در نهایت آن را با ۷۱ ماده به تصویب رساند و روانه شورای نگهبان کرد که یکی از پر سرو صداترین لوایح چند دهه اخیر در تاریخ قانون‌گذاری مجلس بود. اردیبهشت ماه گذشته و پس از اینکه قوه قضاییه لایحه خود را روانه دولت کرد، رسانه‌های اصولگرا انتقادهای فراوانی را نسبت به آن مطرح کرده و با ادعایی عجیب، این طرح را «مروج بی‌حجابی» توصیف کردند. به عنوان مثال حسین شریعتمداری ضمن انتقاد شدید از این لایحه نوشت: «لایحه‌ای که قوه تحت امر آقای اژه‌ای تهیه کرده خنده‌دار است. در جای جای این لایحه، مجازات‌هایی که برای کشف حجاب در قوانین جاری کشور پیش‌بینی شده، تخفیف یافته و به جزای نقدی تبدیل شده آنهم جزای نقدی که بسیار اندک و ناچیز است.»

ادعایی همانند تمام گزارش‌هایی که کیهان طی ۳۰ سال اخیر آن را منتشر کرده و دلایل مستندی برای آن ارائه نکرده است. اما با این حال چند روز بعد معاون حقوقی قوه قضاییه در پاسخ به این انتقادها گفت که این لایحه با مشورت سران سه قوه تهیه شده و بنای قوه قضاییه بر این بود که کشف حجاب را تخلف ببینیم نه جرم! چرا که ما به دنبال اصلاح بی‌حجاب‌ها هستیم نه برخورد با آن‌ها. اما با این وجود همزمان خبرگزاری فارس با راه‌اندازی کمپینی تحت عنوان اصلاح لایحه عفاف و حجاب قوه قضاییه و با فشار به دولت و برگزاری تجمعاتی موسوم به دلواپسان حجاب، توانست ۹ ماده دیگر به آن اضافه کرده تا لایحه ابتدا به مجلس برود و در آنجا با فراغ بال بیشتری، همراه با نمایندگان عمدتاً وابسته به جبهه پایداری، مواد سخت و سفت‌تری را در مبارزه با بی‌حجابی در این لایحه بگنجاند که در آخر هم، همان شد که می‌خواست.

کارشناسان حقوقی، بارها در لایحه ۷۱ ماده‌ای مجلس که ۲۹شهریور با ۱۵۲ رأی موافق و ۳۴رأی مخالف به تصویب رسید تا به مدت سه سال به صورت آزمایشی اجرا شود ایراد و اشکالات فراوانی را به قوای کشور گوشزد کردند. به عنوان نمونه مطابق با ماده ۵۲ لایحه عفاف و حجاب، وسایل نقلیه موتوری که راننده یا راکب یا سرنشین آن مرتکب بی‌عفتی، کشف حجاب، بی‌حجابی یا بدپوششی شود، توسط مأموران فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مبلغ پانصدهزارتومان جریمه می‌شوند. حکم این ماده در خصوص تاکسی‌ها و مسافربرهای اینترنتی نیز جاری می‌شود. و یا اینکه در ماده ۳۹ این قانون آمده: صاحبان حرف، مشاغل و کسب و کارهای مجازی و غیرمجازی در صورتی که در محل کسب یا حرفه یا شغل، به هر ترتیب برهنگی، بی‌عفتی، بیحجابی یا بدپوششی را ترویج یا تبلیغ کنند به پرداخت جرای نقدی از دو تا چهارماه سود سالانه محکوم خواهند شد و یا مواردی از این دست که فقط در حوزه کسب و کار، آن‌هم در این شرایط وخیم اقتصادی می‌تواند ضربه جبران ناپذیری را به صاحبان مشاغل و نیروی بازار کار وارد کند.

اتفاقی که در قانون مصوب مجلس انقلابی رخ داده فارغ از همه ایراداتی که حقوقدانان و تحلیلگران مسائل اجتماعی کشور مطرح کرده‌اند، روح غالب و حاکم بر آن اقتصادی است. تا جاییکه بسیاری از همین کارشناسان مدعی هستند که دولت به جای آنکه به وضعیت اقتصادی و معیشت مردم توجه کند، به نوعی به دنبال پول درآوردن برای کسری بودجه خودش است و سراغ جیب مردم رفته‌است.

یکی دیگر از جنجالی‌ترین موادی که در قانون حجاب قید شده، نکاتی است که به کودکان و دانش‌آموزان مربوط می‌شود. غلامرضا نوری‌قزلجه در جلسه علنی ۲۲ مردادماه مدعی شد که «بر اساس موادی از این لایحه اگر یک دانش آموز ۱۰ ساله در مدرسه‌ای خلاف این قانون عمل کند، شب باید وی را از کلانتری تحویل بگیرید.» مطلبی که قالیباف بلافاصله آن را کذب محض توصیف کرد اما این مورد در قانون نهایی که ۲۹شهریور مصوب شده نه تنها وجود دارد و کذب نیست بلکه، نماینده بستان‌آباد در مجلس در تازه‌ترین گواه خود مبنی بر ادعای دو ماه قبلش گفت: «طبق قانون مصوب حجاب، اطفال ۹ تا ۱۵ سال و ۱۵ تا ۱۸ سال اگر مشمول تخلف از این قانون شدند (یعنی بی‌حجابی و غیره)، طبق بخش مربوط به اطفال قانون مجازات اسلامی باید با آن‌ها برخورد شود.» این مورد درحالی مطرح می‌شود که طبق تبصره ۲ ماده ۶۲ کلیه دستگاه‌های عنوان شده در این قانون موظف شده‌اند که بانک اطلاعاتی دانش‌آموزان و دانشجویان را در اختیار فراجا قرار دهند.

همچنین علاوه بر این موارد ماده ۲۶ به طور جامع و کامل وظایف وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه را در خصوص «جلوگیری از گسترش فرهنگ برهنگی، بی عفتی، بی حجابی و بدپوششی در کشور» شرح داده و گفته این دو نهاد موظف به شناسایی اشخاصی هستند که با همکاری «دولتها، شبکه ها، رسانه ها، گروه‌ها یا سازمان‌های خارجی یا معاند یا به صورت سازمان یافته» در ترویج «فرهنگ برهنگی، بی عفتی، بیحجابی یا بدپوششی از طریق فعالیت در فضای مجازی یا غیرمجازی» فعالیت می‌کنند. این در حالی است که این وظایف جدا از وظیفه‌ای است که در این قانون برای بسیج و نیروی انتظامی درنظر گرفته شده است. و مشخص نیست دایره اختیارات این نهادها تا چه اندازه خواهد بود.

اما یکی دیگر از موارد مهم این قانون، ماده ۳۶ آن است که آمده: مردم و کلیه ضابطان می‌توانند عدم رعایت حجاب شرعی یا بی حجابی و بد پوششی را از طریق ارسال تصویر فرد به سامانه اختصاصی که توسط فراجا ایجاد شده، گزارش کنند. هرچند در ادامه قید کرده است که این مردم باید «آموزش‌های لازم» را ببینند اما بلافاصله در ماده ۳۷ ذکر کرده همه شهروندان می‌توانند گزارش ارتکاب جرائم صاحبان حرف، مشاغل و کسب و کارها را به فراجا بدهند.

با این وجود بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران بر این باورند که اجرای این قانون نه تنها بی‌حجابی در کشور حل نخواهد شد، بلکه بیشتر به دوقطبی شدن جامعه کمک می‌کند و موجب رویارویی قشر مذهبی کشور با قشر دیگر خواهد شد. هرچند بسیاری از نمایندگان جریان تندروی کشور اعتقاد دارند که با قانون حجاب، تا ۳ سال آینده مسئله بی‌حجابی در کشور کاملاً حل خواهد شد.

ستاد امر به معروف و نهی از منکر تابستان سال گذشته اعلام کرد که طبق آخرین آمار، ۶۰ درصد زنان جامعه حجاب شرعی ندارند. بنابراین با توجه به قانون عفاف و حجاب که ۲۹ شهریور مجلس یازدهم آن را تصویب کرد، از همین حالا درصد بالایی از زنان جامعه طبق قانون مجرم‌اند. با این اوصاف نهاد قدرت در جامعه یا باید از فردای روز تایید این قانون توسط شورای نگهبان به جنگ بیش از نیمی از مردم کشور برود و یا اینکه قانون را بر اساس خواست اکثریت و عرف جامعه اصلاح کنند.

خبرماه

نماینده پیشین مجلس درگذشت

خبرگزاری فارس از درگذشت نماینده اسبق مجلس شورای اسلامی خبر داد.

حجت‌الاسلام علی‌اصغر رحمانی‌خلیلی متولد سال ۱۳۲۳ در خلیل‌شهر بهشهر بعد از طی تحمل یک دوره بیماری، دار فانی را وداع گفت.

وی در هشت دور از انتخابات مجلس شورای اسلامی به‌عنوان کاندیدا حضور داشته و موفق شد در سه دوره (دوره‌های اول، دوم و ششم) به‌عنوان نماینده منتخب مردم در مجلس شورای اسلامی حضور یابد.

سیدحسن خمینی کاندیدای انتخابات مجلس خبرگان رهبری می‌شود؟

سردبیر پایگاه خبری جماران در توییتی درباره گمانه‌زنی‌ها درخصوص قصد سیدحسن خمینی برای کاندیداتوری در انتخابات مجلس خبرگان رهبری توضیح داد.

به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین، روزبه علمداری، سردبیر پایگاه خبری جماران در توییتی نوشت:

برخلاف گمانه‌زنی‌ها در خصوص کاندیداتوری سیدحسن خمینی در انتخابات اسفند ۱۴۰۲، تا جایی که مطلعم ایشان هیچ قصدی برای حضور در انتخابات مجلس خبرگان رهبری ندارد.

واکنش رسانه نزدیک به شورای عالی امنیت ملی ایران به عدم خلع سلاح و اخراج عناصر ضدانقلاب از اقلیم کردستان

نورنیوز رسانه نزدیک به شورای عالی امنیت ملی ایران در توییتی اعلام کرد که بندهایی از «توافق‌نامه امنیتی تهران - بغداد» به طور کامل اجرا نشده است.

نورنیوز نوشت:

با وجود اقدامات فعالی که دولت فدرال عراق برای اجرای «توافق‌نامه امنیتی تهران - بغداد» در خصوص خلع سلاح و اخراج عناصر ضدانقلاب از اق م کردستان انجام داده، همچنان بندهایی از این توافق‌نامه به طور کامل اجرا نشده که پیگیری آن ضروری است.

دستگیری یک وابسته به داعش در تهران

سرگرد هادی حفیظی، فرمانده سپاه شهرستان قدس در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس از دستگیری عامل تکفیری وابسته به داعش و چند سرشبکه نفاق در شهرستان قدس خبر داد.

سرگرد هادی حفیظی، فرمانده سپاه شهرستان قدس اظهار کرد: با رصد و اقدامات فنی اطلاعاتی سازمان اطلاعات سپاه شهرستان قدس، عامل تکفیری که دارای سوابق ویژه نظامی در خارج از کشور بوده طی فرآیندهای پیچیده اطلاعاتی پاسداران گمنام امام زمان(عج) در سپاه شهرستان قدس شناسایی و دستگیر شد.

فرمانده سپاه شهرستان قدس ادامه داد: این فرد دوره‌های تخصصی آموزش نظامی را در کشور پاکستان گذرانده و در پوشش اتباع وارد کشور شده و فعالیت‌هایی در زمینه قاچاق انسان نیز داشته است.

سرگرد حفیظی گفت: همچنین ۲ سرشبکه از عاملین اصلی سازماندهی اغتشاشات وابسته به جریان نفاق خارج از کشور نیز در شهرستان قدس با هوشیاری و اقدامات اطلاعاتی پاسداران گمنام امام زمان (عج) در سپاه شهرستان قدس و پشتیبانی سپاه حضرت سیدالشهدا(ع) دستگیر شدند.

وی بیان کرد: این عناصر با پشتیبانی‌های مالی منافقین کور دل سعی در شایعه سازی، سازماندهی و گمراهی نوجوانان برای مشارکت در اغتشاشات داشتند که در تور اطلاعاتی سازمان اطلاعات سپاه در شهرستان قدس قرار گرفتند.

فرمانده سپاه شهرستان قدس در پایان افزود: لازم به ذکر است در این ایامی که دشمنان ملت ایران سعی در ناامن‌سازی کشور داشتند، چندین ادمین و فعال فضای مجازی که وابستگی به رسانه‌های ضد انقلاب خارج از کشور داشته‌اند با اقدام به موقع شناسایی، دستگیر و تحویل مرجع قضایی شدند.

یادداشت ماه

التهاب ناخن کار شدن

بدون شک هر سیستم حاکم در زمینه تحصیل، رفاه، اشتغال و... شهروندانش مسئول است و این مسئولیت در قالب نوع حکومت متفاوت است. هرچه سیستم حاکمه به سمت شخص محوری پیش برود یدون شک کمتر جوابگوی مطالبات مردمی است و اما شهروندان نیز در ایجاد بسترهای موجود بی‌تاثیر نیستند.

نهایتا دو دهه قبل بود که در میان اکثر پشت کنکورهای ها التهاب مهندس شدن حاکم بود و به صورت یک فرهنگ عامه‌پسند شده بود که فرزندان خود را مهندس صدا بزنند البته باید این حقیقت را نیز بیان داشت که آن ایام قبولی کنکور هم کار هر کسی نبود.

اما به لطف انواع دانشگاهی پولی، ما شاهد هزاران مدرک دکتری هستیم که حتی شاید صاحب مدرک در طول عمرش یک روز زندگی دانشجویی را تجربه نکرده باشد.

التهاب های موجود در هر بستر زمانی تغییر می‌کند و الان عمل زیبایی و... دیگر مختص دنیای زنانه نیست و شاهد مردان بسیاری هستیم در صف عمل زیبایی یا خرید لوازم آرایش و حتی لیزر موهای بدن هستند.

فعلا بانوان دریک عرصه بدجور برنده هستند و آقایان فعلا در بازار ناخن کاری ورود نکرده اند. البته بازار آن‌قدر اشباع است که فکر کنم اکثریت خانم ها در این مورد هم به شکست بربخورند. به صورت میدانی اگر نگاهی بیندازیم خواهیم دید که از هر ده نفر خانم حدود چهار نفرشان درگیر کار، یادگیری و ... شغل ناخن کاری هستند که در بازار اقتصادی جوابگو نیست و همچون التهاب مهندسی که فکر نکرده بودند که تخصص مهندسین با حضور کارگران است که معنی می یابد و حرفه ناخن کاری هم با تقاضای سایر بانوان است که رونق می گیرد که وضع موجود نشان از شکست این حرفه می دهد.

هزاران مهندس، دکتر و... داریم که شانیت مدرک دانشگاه پولی، کاری کرده که هنوز هم بیکار و منتظر حضور اسب خوشبختی در جلوی ایشان است به این معنی که استخدام شوند و عبای مدیریتی بر دوش خود بیندازند.

چهره ماه

برای دومین بار در تاریخ ایران اتفاق افتاد

نرگس محمدی برنده جایزه نوبل صلح شد

عصرایران نوشت: این برای دومین بار است که یک زن ایرانی جایزه صلح نوبل را به خود اختصاص می‌دهد.

۲۰ سال قبل هم شیرین عبادی حقوقدان در سال ۲۰۰۳ برنده جایزه نوبل صلح شد. نرگس محمدی و شیرین عبادی تنها ایرانیان برنده جایزه نوبل هستند.

آذر منصوری به این بهانه خطاب به این فعال مدنی نوشت: «اختصاص جایزه نوبل صلح را که بی‌شک این جایگاه و موقعیت شماست که به آن اعتبار می‌بخشد، به شما و به همه صلح‌جویان و مدافعان حقوق‌بشر تبریک می‌گویم.»

جایزه صلح نوبل یکی از پنج جایزه نوبل است که براساس وصیت آلفرد نوبل صنعتگر و مخترع سوئدی تاسیس شد. این جایزه برای اولین بار در سال ۱۹۰۱ اهدا شد.

جایزه صلح نوبل برخلاف چهار جایزه دیگر در کشور همسایه سوئد یعنی نروژ اهدا می‌شود. انتخاب برندگان جایزه صلح نوبل برعهده هیاتی پنج نفره از دانشگاهیان و سیاستمداران سابق و مستقل است که از سوی پارلمان نروژ تعیین می‌شوند.

آلفرد نوبل در وصیت‌نامه خود گفته است که این جایزه باید «به کسی داده شود که بهترین یا بیشترین کوشش را در راه برادری ملل، انحلال یا کاهش ارتش‌ها یا تشکیل و ترغیب کنفرانس‌های صلح کرده باشد.»

جایزه نوبل صلح تنها جایزه نوبل است که در استکهلم داده نمی‌شود. این جایزه هر ساله در اسلو پایتخت نروژ اهدا می‌شود. نوبل در سال ۱۸۹۶ درگذشت و او توضیحی برای انتخاب صلح به عنوان رده جایزه باقی نگذاشت.

تصمیم درباره برنده نهایی در آخرین جلسه کمیته گرفته می‌شود که معمولاً در اواخر سپتامبر یا اوایل اکتبر برگزار می‌شود. اگر اعضا به اجماع نرسند، رای اکثریت به حساب می‌آید. بعد از اعلام برنده، جایزه در مراسمی در روز ۱۰ دسامبر، تاریخ مرگ آلفرد نوبل به برنده اعطا می‌شود.

تفسیر ماه

نگاهی به جایگاه علی لاریجانی پس از رد صلاحیت در انتخابات

رویای هاشمی شدن!

علی لاریجانی هنوز هم از ردصلاحیتش در انتخابات ریاست جمهوری سال۱۴۰۰ دلخور است. او طی این دو سال، هم در سخناش و هم رفتارش این مطلب را مشخصاً اعلام کرده است. حالا هم در تازه ترین اظهاراتش درباره انتخابات مجلس دوازدهم وعده داده که به وقتش دلایل ثبت‌نام نکردنش در انتخابات مجلس را اعلام می‌کند.

شاید این وعده او برای بازگو کردن دلایل عدم ثبت‌نام از جنس همان توصیه‌ای باشد که شورای نگهبان به مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در بهار ۱۳۹۲ برای عدم ثبت‌نام در انتخابات ریاست جمهوری کرده بودند.

لاریجانی البته در همین اظهارات، کنایه‌ای هم به جریان جبهه پایداری زد و گفت: «انقلابیِ کاسب کار به دنبال این است که بگوید بقیه انقلابی نیستند، ما انقلابیِ هستیم و همه پست‌ها را ما باید بگیریم. نتیجه این اقدام کوچک کردن انقلاب است در صورتی که انقلاب اسلامی بسیار بزرگ بود، اقدام امام خمینی ره بسیار بزرگ بود.»

لاریجانی در این مطلب آشکارا اعضای تندرو و سوپرانقلابی را مخاطب خود قرار داده و به طعنه می‌گوید: عده‌ای به دنبال کوچک کردن انقلاب و تجزیه (خالص‌سازی) هستند. در صورتیکه یکی از ویژگی‌های انقلابی واقعی وحدت‌گرایی است به این ترتیب که همه افراد کارگزار و فعال باشند و به اندازه استعداد خود انقلاب را یاری کنند.

دقیقا همان مطلبی که اکثر اصولگرایان سنتی در توصیف اعضای جبهه پایداری از آن استفاده می‌کنند.

به نظر می‌رسد علی لاریجانی در سخنان خود به اظهارات اخیر صادق محصولی، دبیرکلِ به گفته منصور حقیقت‌پور، مولتی میلیاردر جبهه پایداری هم صراحتاً طعنه زده باشد.

چرا که صادق محصولی هم در نشست پایان دوره دفتر تحکیم وحدت که به نظر می‌رسد علی لاریجانی را مورد خطاب خود قرار داده باشد، گفته بود: برخی شعار اعتدال و میانه‌روی سر می‌دهند ولی اعتدال و میانه‌روی به چه شکل است؟ مثلا اگر من ۱۰۰ تومن به کسی بدهی دارم ولی به او بگویم که فقط ۲۰ تومن بدهکارم و او هم اصرار به گرفتن کل حقش یعنی صد تومن داشته باشد. آیا شخص ثالث معتدل و میانه‌رو می تواند بگوید اعتدال این است که وسطش را بگیرید یعنی ۶۰ تومن؟! این که ظلم است به طلبکار! باید مراقب واژه‌سازی با پروپاگانداهای کسانی که سالیان سال در پست های مختلف نظام حضور داشتند و بیشتر از خدمت به مردم خیانت کرده‌اند و امروز طلبکار هستند، باشیم و تحت تاثیر شعار ها و واژه سازی های آن‌ها مثل «خالص سازی» نباشیم. آن‌ها خودشان بیشتر دنبال خالص سازی اند. بله، خالص سازی حضور چهره‌های غربگرا در پست های مختلف کشور؛ و برای همین از حضور نیرو های انقلابی

در مجلس و دولت واهمه دارند غربگراهایی که از انقلابی بودن پشیمان شده اند و حتی نسبت به سیاست ها و اقدامات امام راحل اعلام مخالفت و پشیمانی می کنند.

به کار بردن واژه «خالص سازی» توسط علی لاریجانی به جای واژه «حاکمیت یکدست» بعد از رد صلاحیت او در انتخابات ۱۴۰۰ مطرح شد. لاریجانی سال گذشته هَم در سالگرد شهادت آیتا... مطهری در سخنرانی خود در همایشی با مضمون اندیشه های آیتا... مطهری از کلیدواژه خالص سازی استفاده کرده بود.

و حالا به نظر می‌رسد دبیرکل جبهه پایداری که برای انتخابات مجلس در اسفندماه سال جاری برنامه جامع و کاملی را به کمک دولت تدوین کرده، با پیش کشیدن این کلیدواژه قصد دارد آغازگر جدل انتخاباتی با طیف معقول اصولگرای سنتی کشور، یعنی همان جریان علی لاریجانی باشد. کما اینکه توصیه علی لاریجانی به نزدیکانش برای ثبت‌نام در انتخابات مجلس هم می‌تواند گواهی بر همین ادعا باشد. ایستادگی در برابر انقلابی‌نما هایی که در چهار سال گذشته عنان قدرت را در اختیار گرفته و قصد پس دادن آن را هم ندارند.

بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که علی لاریجانی در سال ۱۳۹۲ و بعد از روی کار آمدن دولت حسن روحانی در سبک و سیاق رفتاری خود در حوزه سیاست تغییرات گسترده‌ای را ایجاد کرده. به گونه ای که او چند ماه پس از روی کارآمدن دولت یازدهم، در همایش سراسری مدیران وزارت اطلاعات، در تبیین رویکرد برخورد با مخالفین گفت: «استراتژی برخورد سخت شاید زود جواب دهد ولی در دراز مدت اثرات سوء را به دنبال خواهد داشت.»

اما از نظر علی مطهری این تغییر در سبک و سیاق سیاسی باید دایره گسترده‌تری به خودش می‌گرفت.

پس از ردصلاحیت لاریجانی در انتخابات ریاست جمهوری سیزدهم که با واکنش بسیاری از فعالان سیاسی روبرو شد، علی مطهری، برادر همسر علی لاریجانی در یک گفت‌وگوی اینترنتی ضمن انتقاد از شوهرخواهرش گفت: «زمانی که آقای هاشمی را رد صلاحیت کردند اگر شما که رییس مجلس بودی انتقاد می کردی این بلا سر خودت نمی آمد! چرا آن موقع حرف نزدی؟ حالا چون خودت رد شدی این حرف را میزنی؟» اشاره به جمله معروف مروحوم هاشمی‌رفسنجانی که از قول شهید بهشتی گفته بود: این آسیاب به نوبت است.

به هر صورت علی لاریجانی در یکسال اخیر پس از بیرون آمدن از شوک ردصلاحیتش، سعی دارد طیف و گفتمان مخصوص به خودش را داشته باشد. هرچند طی ماه های اخیر بسیاری از کارشناسان از ائتلاف او با اصلاح‌طلبان، حسن روحانی و یا جریان میانه قالیباف خبر داده بودند اما به نظر می‌رسد لاریجانی ۱۴۰۲ حتی با لاریجانی قبل از حوادث پاییز سال ۱۴۰۱ هم فرق می‌کند.

لاریجانی در مهرماه سال گذشته یعنی تنها چند هفته پس از آغاز جنبش موسوم به مهسا، در گفت‌وگو با روزنامه اطلاعات گفته بود: یکی از آقایان گفته ۵۰ درصد بانوان جامعه، حجاب کاملی ندارند. نمی‌دانم این حرف درست است یا خیر، اما وقتی یک امری این‌قدر شیوع داشته باشد، نباید با این روش‌ها با آن برخورد و پلیس را درگیر کرد.

رییس مجلس دهم پیش از آنکه مقوله‌ای به نام لایحه عفاف و حجاب توسط تندورها در کشور و سپس در مجلس مطرح شود آن را پیش‌بینی کرده و هشدار داده بود: راه و طریق توجه به مقوله حجاب، این نیست آن هم در این شرایط که مردم مشکلات اقتصادی دارند و یک مرتبه موضوع حجاب را برجسته می‌کنند، این هم بی‌موقع بوده و هم طریقش درست نبوده. مقوله حجاب یکی از موضوعات مهم اسلام است، اما آیا اهمیت این موضوع به اندازه توحید یا نبوت است؟ مسأله حجاب را در این شرایط یک مرتبه بزرگ کردند.

اظهارنظری بی‌سابقه از سیاستمداری که با گذشت بیست سال از ریاستش بر سازمان صداوسیما هنوز هم عملکرد جانبدارانه او در رسانه ملی، در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی، مورد انتقاد اکثر سیاستمداران طیف منتقد کشور است. اما با این وجود به نظر می‌رسد علی اردشیرلاریجانی در آغاز قرن پانزدهم شمسی قصد دارد رخ دیگری از خود را به نمایش بگذارد.

نقد ماه

بررسی اخراج اساتید مستقل و جایگزینی نیروهای خودی

دانشگاه زنده می‌ماند؟

اخراج سریالی اساتید دانشگاه در ماه‌های اخیر به یکی از پربازدیدترین اخبار در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی تبدیل شده است. ماجرا از روزی شروع شد که «علی شریفی‌زارچی» از اساتید دانشگاه شریف به دلایلی که دو طرف ماجرا از آن روایتی متفاوت را بیان می‌کنند اخراج شد. با این حال روزنامه کیهان، صراحتاً در واکنش به این موضوع، شریفی‌زارچی را استاد اغتشاشگر نامید و اخراج او از دانشگاه را به حق دانست. کیهان البته به اخراج او رضایت نداد و در دو شماره پی در پی ابتدا خواستار بازداشت و محاکمه این استاد اخراجی دانشگاه شد و سپس با بکار بردن صفت «قاتل کرونایی» برای شریفی‌زارچی، از خانواده‌های جانباختگان کرونایی در چهار سال گذشته خواست که از او به عنوان مشارکت در قتل عزیزانشان شکایت کنند.

اما به دنبال اخراج سریالی اساتید منتقد از دانشگاه که روزنامه اعتماد شمار آن‌ها را ۱۱۰ نفر اعلام کرده، بکارگرفتن افرادی موسوم به سوپرانقلابی‌ها در دانشگاه به عنوان اساتید، موضوع دیگری بود که جنجال‌های بسیاری را به دنبال داشت.

امیرحسین ثابتی، عباس موزون، سجاد صفارهرندی از جمله افرادی بودند که پس از اخراج اساتید به عنوان استاد دانشگاه معرفی شده و طبق اطلاعات منتشر شده قرار است به دانشجویان درس «انقلاب اسلامی» بدهند.

در عین حال «سعید حدادیان» یکی دیگر از افرادی است که رسانه‌ها از او به عنوان استاد جدید دانشگاه تهران نام برده‌اند. این در حالی است که بر اساس مدارکی که به دست رسانه خبری مستقل رسیده آقای حدادیان از سال ۸۹ در دانشگاه تهران به توصیه «کامران دانشجو» سلسله مباحث نگاهی به دعا را تدریس می‌کرده است. پای سعید حدادیان البته از سال ۷۶ به دانشگاه تهران باز شد. آن‌هم به توصیه علیرضا زاکانی شهردار فعلی تهران. حدادیان البته در همین دانشگاه، آموزش مداحی هم تدریس می‌کرده و در سالهای اخیر به سمت مسئول دفتر ادبیات نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه تهران منصوب شده است.

خالص‌سازی، پاک‌سازی و انقلاب فرهنگی دوم عناوینی است که رسانه ها و تحلیلگران سیاسی کشور این‌روزها از آن، در توصیف اخراج‌های سریالی اساتید یاد می‌کنند.

خبرگزاری رسا که اخبار حوزه را پوشش می‌دهد اما در رابطه با این اقدام دولت ضمن ستایش آن همانند روزنامه کیهان می‌نویسد: پس از غائله مهسا امینی و تحرکات دانشجویان در آن ایام و کنشگری برخی از اساتید در جهت حمایت از جنبش زن زندگی آزادی، قابل‌پیش‌بینی بود که روزهای پرتلاطم‌تری در راه است. اساساً جریان راست سیاسی چه در ایران و چه جهان خیلی اهل بی‌خیال شدن و فراموش‌کردن نیستند، بالاخره حالا نوبت دولت و حاکمیت یکپارچه است و به‌قول‌معروف هر های یک هوی دارد.

اما مهمتر از همه این نکاتی که به آن پرداخته شد، بیانیه حمایتی وزارت کشور در دفاع از اخراج اساتید از دانشگاه‌ها بود که به گمانه‌زنی ها درباره «امنیتی کردن دانشگاه» قوت می‌بخشد.

مطلبی که به نظر می‌رسد بازگو کننده نظر دولت هم باشد چرا که رییس دولت در نشست خبری هفت شهریور هم به آن پرداخت و آشکارا از آن دفاع کرد.

رسانه دولت هم در همین راستا، ضمن حمایت از آنچه که پاک‌سازی دانشگاه خوانده می‌شود نوشت: دولت بنا دارد از دانشگاه در مقابل جریانی دفاع کند که می‌خواهد این محیط را به صحنه «درگیری به جای گفت‌وگو» تبدیل کند.

محسن میردامادی، نماینده مجلس ششم البته نظر دیگری در این رابطه دارد. او به خبرگزاری جماران گفته است که برخی جریان‌های سیاسی می‌خواهند دانشگاه را به پادگان تبدیل کنند و دانشجو را هم سرباز بار بیاورند. شاید اشاره او به خبر جذب نیروهای نظامی حشدالشعبی به عنوان دانشجو در دانشگاه تهران باشد که واکنش‌های بسیاری را به دنبال داشت.

محمد مقیمی رییس دانشگاه تهران اواخر تیرماه گذشته در دفاع از این اقدام به عنوان «مدیریت جهادی دانشگاه در دوره جدید» نام برده بود در واکنش به انتشار برخی اخبار نسبت به جذب این نیروهای نظامی در دانشگاه به خبرگزاری ایلنا گفت: اینکه برخی می‌گویند ما می‌خواهیم از نیروهای حشدالشعبی برای سرکوب در محیط دانشگاه استفاده کنیم، «ساده‌انگارانه» است با انتشار این نوع اخبار می‌خواهند جلوی همکاری‌های دانشگاهی ما با دوستان‌مان را بگیرند.

او در ادامه از اعضای حشدالشعبی تمجید کرد و گفت که به باور او همه افراد این گروه مسلح «افرادی ناب و خالص هستند.»

مقیمی البته پس از اخراج اساتید منتقد از دانشگاه هم اظهاراتی مرتبط با همین مطلب را بیان کرد و ضمن انتقاد از رسانه ها گفت که بکار بردن اخراج در رابطه با این افراد درست نیست چرا که آن‌ها حق‌التدریس بودند و دانشگاه تصمیم گرفته با آن‌ها قطع همکاری کند و بنابراین این افراد نه استاد بودند و نه اخراج شده‌اند.

آدرس دادن اشتباه در رابطه با مسائل کشور که پس از روی کارآمدن دولت ابراهیم رییسی به یک رویکرد اصلی در فضای جامعه تبدیل شده است.

داریوش رحمانیان، استاد اخراجی دانشگاه تهران البته نظر دیگری دارد. او به رویداد۲۴ می‌گوید: تحلیل من این است که با اخراج اساتید، به زعم خودشان می‌خواهند خون دانشگاه را تصفیه کنند و مثلا «انقلاب فرهنگی دوم» را رقم بزنند. اما به صراحتاً می‌گویم که این توهمی است که پیشاپیش محکوم به شکست است.

علی ربیعی، سخنگوی دولت حسن روحانی هم به همین نکته اشاره دارد و مدعی است: با تصفیه و تسویه دانشگاه‌ها، و اخراج اساتید باسواد قصد دارند افراد کم‌مایه اما «وفادارنما» را وارد دانشگاه کنند.

با این حال به نظر میرسد این «رشته» آغاز ماجراست و سر درازی دارد. چرا که رصد فضای دانشگاهی کشور ما را متوجه این نکته می‌کند که «جبهه پایداری» به عنوان متولی اصلی پروژه «خالص سازی» دانشگاه‌ها به زودی وارد کلاس درس دانشجویان هم خواهد شد و این پاک‌سازی ها گریبان دانشجویان را هم گرفت.

هرچند به گفته عبدالواحد موسوی لاری وزیر کشور دولت اصلاحات، این گونه اقدامات از سوی دولت و جریان‌های تندروی کشور متاسفانه می‌تواند مثل یک موریانه ریشه‌های نظام و انقلاب را بخورد.

یادداشت ماه

جامعه‌ی بی‌چرا، جامعه‌ی بی‌چاره

اگر شما از جمله کسانی هستید که از پیش در هر بحث و مناقشه‌ای، سخنان کسی که نتیجه‌گیری نهایی وی با باور و نگرش شما هم‌سو باشد را مستدل‌تر و متقن‌تر می‌دانید، شما نیز گرفتار و سازنده‌ی جامعه بی‌چرا هستید

اگر شما با سخنانی مواجه شدید که ده‌ها ادعا در آن گنجانده شده و برای هیچ‌کدام از آن‌ها حتی برخی از آن‌ها دلیلی اقامه نشده بود و شما آن‌ها را پذیرفتید، باز هم شما گرفتار و سازنده‌ی جامعه‌ی بی‌چرا هستید.

از این‌ها فراتر برویم، اگر شما درباره‌ی مهم‌ترین باورها و عقاید خود به قول دکارت در هر موضوعی دست‌کم یک بار چون و چرا نکرده‌اید، باز شما سازنده و گرفتار جامعه‌ی بی‌چرا هستید.

یا اگر شما در مواجهه با اخبار و مدعیات مختلف افراد در تمام رسانه‌ها با هر جهت‌گیری، عینک شک و تردید به چشم نزده‌اید یا چون و چرایی در مقابل مدعیات آن‌ها نمی‌کنید، باز هم...

خلاصه‌ی کلام این‌که اگر شما در برابر هر ادعا، به نسبت نوع ادعا، مطالبه‌ی دلیل نمی‌کنید، جزئی از اجزاء یک جامعه‌ی بی‌چرا هستید که البته احتمالا خودتان هم گرفتار آن جامعه هستید، به این معنا که علت این رویکرد شما بالیدن در چنین جامعه و فرهنگی‌ست که چون و چرا ندارد و اهل پرسشگری و استدلال نیست.

بارها برای من پیش آمده...، یا اصلا ناگفته از رفتار جامعه پیداست که گرایش عمده‌ی آن رد یا قبول ادعاهای نهایی‌ست یا مثلا در موضوعات مختلف از جمله سیاسی، عقیدتی و غیره، نگرش شما اهمیت دارد و بس، نه استدلال‌های شما.

این رفتار یک جامعه‌ی بی‌چراست و فرهنگ تاریخی آن گرفتار چنین معضل بنیادینی‌ست که پایه و اساس تمام بی‌چارگی‌ها در همین بی‌چرایی‌هاست.

البته همین حالا باید دقت کنید که ادعای خود این متن را هم بی چون و چرا نپذیرید. تا اینجا هیچ دلیلی برای این ادعا ارائه نشده که 'چرا' جامعه بی‌چرا به جامعه‌ای بی‌چاره بدل خواهد شد؟ پس اگر تا همین‌جا پذیرفتید که این ادعا هم موجه است، چندان اهل چون و چرا نیستید مگر آن‌که خودتان در ذهنتان دلایلی را برای این مدعا ساخته یا حدس زده باشید.

البته چون و چرا کردن در برابر ادعاهای مختلف، شرط کافی سعادت جامعه نیست، اما حتما شرط لازم است و نه فقط شرط لازم، بلکه شرطی اساسی و ضروری.

چرا؟

چون سعادت هر جامعه‌ای نیاز به بهبود و ارتقا سطح باورها و نگرش‌های صادق یا موجه دارد. به عبارت ساده‌تر، نظرات تک تک افراد جامعه هرچه به حقیقت نزدیک‌تر باشد، آن جامعه سعادت بیشتری نصیبش می‌شود و برای مسائل و مشکلات خود چاره‌های کاربردی‌تر، عملی‌تر و باکیفیت‌تری می‌اندیشد. با مثالی ساده‌تر، اگر شما قصد ساختن یک ساختمان را داشته باشید اما در ریاضیات و محسابات شما خطایی وجود داشته باشد یا برآوردهای ساده‌ی فیزیکی شما از وزن و جرم و حجم اجسام خطا باشد، یا اصلا ساختمانی ساخته نخواهد شد یا در خوشبینانه‌ترین حالت فرضی، ساختمان شما دیر یا زود فرو می‌ریزد.

پس ما برای حل هر مسئله‌ای و پیدا کردن بهترین راهِ چاره نیازمند باورها و عقاید و نظرات صادق و موجه هستیم که با حقیقت مطابقت بیشتری داشته باشد.

اما چگونه می‌توان به باورهای صادق یا موجه بیشتری دست یافت؟ با پرسشگری و دست‌یابی به بهترین شواهد و استدلال‌ها. خود این پرسشگری و دست‌یابی به بهترین شواهد و استدلال‌ها از کجا حاصل می‌شوند و چگونه باید به آن‌ها دست یافت؟ با "چرا". یعنی هر ادعایی را آن‌قدر از فیلتر چون و چرا عبور دهیم و دلایل و شواهد آن را بسنجیم تا به کشف بهترین شواهد و استدلال‌ها برسیم. به تعبیر دیگر با نوعی نگاه شک‌گرایانه به مدعیات مختلف نگریستن و حتی در مواجهه با خود استدلال‌ها و شواهد نیز به سادگی تسلیم نشده و آن‌قدر سوزنمان روی "چرا" گیر کند تا به نقطه‌ای واقعا قانع کننده و متقن برسیم.

بنابراین به‌طور خلاصه ما برای این‌که به بهترین راه‌حل‌ها و چاره‌های هر مسئله‌ای برسیم، چون چرا کردن یکی از شروط ضروری و لازم ماست و نیازمند التزام تام و تمام به عقلانیت و استدلال هستیم. و اما برعکس، اگر چنین رویه‌ای نداشته باشیم کاسه‌ی ادعاهای ما آن‌قدر پر است که لبریز می‌شود، اما در کاسه‌ی دلایل و شواهد ما دریغ از یک قطره خردورزی. تا جایی که این روند بی‌چرایی، ما را به بی‌چارگی می‌رساند و تازه می‌پرسیم چرا بی‌چاره‌ایم!

آیت ماندگار

یاد و یادگار

طرح جلد:
Pawel kuczynski

نشان ماندگار

گرگ‌ها یکدیگر را نمی‌خورند و این خود نشان می‌دهد که گرگ نسبت به گرگ، رفتار انسانی دارد.

گوته

- ماهنامه الکترونیکی آیت ماندگار
- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: محمد آیتی
- سردبیر: امیرحسین مصلی
- مدیر هنری: عالیه اعتمادیان
- آدرس: نواب، خیابان محبوب مجاز غربی، کوچه پرستو، مجتمع سرو ۳، زنگ ۹، طبقه سوم، واحد ۱
- تلفن: ۵۵۴۳۶۳۸۲
- وب سایت: www.ayatemandegar.ir
- پست الکترونیک: ayatemandegar@yahoo.com

سرمقاله

آگاهی‌بخشی؛ رسالت «آیت ماندگار»

امیرحسین مصلی
سردبیر

پس از وقفه‌ای که در انتشار دوهفته‌نامه «آیت ماندگار» ایجاد شد، با وجود تمام سختی‌ها و موانع، اعم از مشکلات مالی و برخی فشارهای متداول در کار رسانه‌ای، این‌بار در قالب ماهنامه‌ای الکترونیکی این نشریه فعالیت خواهد داشت تا در حد توان، چراغ آگاهی رسانی در فضای رسانه‌ای داخل کشور خاموش نماند؛ به‌ویژه در دورانی که پس از اعتراضات به جان‌باختن مهسا امینی با شعار «زن، زندگی، آزادی»، نه‌تنها روح زمانه‌ی ایران از آرمانگرایی‌های انتزاعی که ناشی از ایدوئولوژی‌های تمامیت‌خواه بودند، به زندگی‌خواهی کاملا عینی و مبتنی بر تکثر تغییر یافته، بلکه این تغییر به جامعه سنتی و حاکمیت مذهبی نیز تحمیل شده است!

با این همه بافتار نقدناپذیر فرهنگی - سیاسی ایران‌زمین به‌دلیل سابقه قرن‌ها سلطه استبداد که صرفا به حاکمیت‌ها خلاصه نمی‌شود و مردم عادی و حتی مخالفان این حکومت‌ها نیز از این خطا مستثنی نیستند، کماکان در مقابل این تغییرات مقاومت می‌کند. مصداق جامعه استبدادزده، نقدناپذیری به اصطلاح روشنفکرانش است که بستر را برای رشد تفکر نقاد میان توده‌ها مهیا نمی‌کنند؛ برای نمونه از «احمد زیدآبادی» حامی اصلاحات که با مغالطه تعمیم ناروا، منتقدان به گفته‌هایش درباره روی گشاده دولت رییسی به آزادی بیان در مطبوعات را فیک و فحاش می‌نامد تا «مانا نیستانی» به اصطلاح برانداز که با مغالطه مرد پوشالی، منتقدان کاریکاتور اخیرش را که کردستان را از نقشه ایران حذف کرده بود، پرونده ساز و بازجو می‌خواند!

در نتیجه یکی از خطاهای جامعه به ظاهر معترض به استبداد این است که دیکتاتوری اکثریت را به اشتباه مترادف با دموکراسی می‌پندارد؛ یعنی رعایت حقوق اقلیت را که اصل بنیادین مردم سالاری است، نادیده می‌گیرد. بنابراین صرفا مستبد را نشانه می‌گیرد با جایگزینی مستبدی دیگر که اصل استبداد بازتولید می‌شود. به طور مثال اخیرا گروهی از هم‌وطنان نگران ورود احتمالی اتباع قانونی افغانستان در ایران به مجلس شده‌اند! اما نسبت به ناکارآمدی این مجلس فشل که با نظارت استصوابی و حق وتوی نهادهای موازی و بالادستی، جای آنکه خانه ملت باشد، محل اعمال سلیقه غیرشفاف گروهی اقلیت بر اکثریت شده، بی‌تفاوت‌اند!

از نگاه «شوپنهاور»، انسان بازیچه‌ی اراده‌ای شرور در جهان است که او را به سمت ملال در زندگی سوق می‌دهد؛ برای توقف این نیروی بدذات تنها باید ژرف اندیش شویم تا بلکه لحظاتی تماشاگر این بازی تحقیر آمیز شویم و نه بازیگرش! اما این ژرف اندیشی چگونه حاصل می‌شود؟ «فون تریه» کارگردان ساختار شکن دانمارکی در فیلم «رقصنده در تاریکی» بارها توقف این اراده جهانی را توسط انسان به تصویر کشیده است، به‌ویژه در سکانس پایانی که «سلما» در آستانه اعدام آواز می‌خواند و چرخه مرگ و مرگ آفرینان را نادیده می‌گیرد. او می‌میرد اما نه با ملال! چراکه معنایی مغایر با اراده‌ای که به قتل‌گاه کشانده‌اش، می‌آفریند.

شاید دستاورد آگاهی بخشی که ما را بر آن داشت تا با وجود تمام دشواری‌ها، کار مطبوعاتی را در وضع موجود با انتشار مجدد ماهنامه «آیت ماندگار» ادامه دهیم، همین ژرف اندیشی باشد یا به تاکید «کانت» شهامت به کارگیری فهم خویش که در سطور ابتدایی جستار «روشنگری چیست؟» می‌نویسد:

«روشنگری خروج انسان از صغارتی است که خود بر خویش تحمیل کرده است. صغارت، ناتوانی در به کاربردن فهم خود بدون راهنمایی دیگری است. شعار روشنگری این است: «در به کار گیری فهم خود شهامت داشته باش»!

گالری

بدون شرح

Jihd srna

یادواره

روایتی از نخستین دیدار شمس و مولانا

نوشته سمانه علیمردانی، مدرس دانشگاه درباره آشنایی شمس و مولانا که تاثیرات زیادی را بر روی مولانا گذاشت و مسیر زندگی او را دیگرگون کرد، به شرح زیر است:

روزی مولانا در کنار حوضی مشغول تحصیل و خواندن کتاب‌هایی قطور و مهم در خصوص عرفان بود که شمس از راه رسید و تمام کتاب‌های او را در آب انداخت. این کار شمس، مولانا را بسیار ناراحت می‌کند و به او می‌گوید چرا کتاب‌هایم را در آب ریختی زیرا این کتاب‌ها برای من بسیار ارزشمند بودند و برخی از آن‌ها کتاب‌هایی بود که از پدرم برایم مانده بود. شمس به مولانا می‌گوید این کتاب‌ها چه بود که می‌خواندی؟ مولانا در جواب شمس می‌گوید این کتاب‌ها قیل و قال بود. شمس کتاب‌ها را از آب درمی‌آورد در حالی که تمامی کتاب‌ها خشک بودند، مولانا با تعجب می‌پرسد چطور کتاب‌ها خشک هستند؟ شمس در جواب او می‌گوید آنچه تو خواندی قیل و قال بود آنچه من انجام دادم ذوق و حال بود.

در جایی از مثنوی مولانا نیز این‌گونه آمده است که: ما برون را ننگریم و خال را، ما درون را بنگریم و حال را که تصدیق‌کننده همین موضوع است و می‌خواهد بر ارزشمندی درونیات تاکید کند. این وابستگی به درجه‌ای رسیده بود که مولانا از زن و فرزند خود دوری می‌کرد و بیشتر به سمت شمس تبریزی گرایش داشت. این موضوع باعث شد شمس، مولانا را برای یک سال ترک کند اما مولانا به دنبال شمس رفت و او را برگرداند اما مجددا بعد سال‌ها باز این اتفاق تکرار می‌شود اما این بار شمس برای همیشه مولانا را ترک می‌کند.

بعد از رفتن شمس، مولانا شروع به سرودن دیوان شمس می‌کند و از این جهت اسم دیوانش را «دیوان شمس تبریزی» می‌گذارد که علاقه و عشق زیادش به شمس را به همراه اثرش جاودانه کند. مولانا قبل از آشنایی با شمس هم شمه شاعری داشته است و گاهی شعر می‌سروده اما پس از دیدار با شمس قدم در وادی عرفان می‌گذارد.

شعرخوانی

دست‌های تو انگار
پرچم‌های صلح‌اند
بر خرابه‌ی روزهای من
که جز نشانه‌ای از گنج‌ها در او باقی نیست
زورق‌ها و نگهبانانی
که باروت کشف‌شده را به جزیره‌ی دور می برند
دست‌های تو انگار
سیم‌های تارند
که ترانه‌های حرام را پنهانی
در آتش رودخانه‌های‌شان حفظ می‌کنند،
رودهایی روشن
که صورت سربازهای شکست‌خورده را
در آتش زخم‌ها می‌شویند. .
دست‌های تو
صبحی روشن‌اند
صبح جمعه‌ی پاییز
که زیر ملافه‌ی سردی به موسیقی دوری گوش
می‌کنم
ای سرمای صبح
که شمدهای سفید را بر اندامم رواج می‌دهی
به پاس همین دست‌هاست
که تو را
دوست دارم.
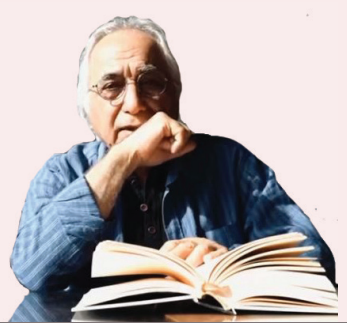
شمس لنگرودی